

نوع مقاله: پژوهشی

## بررسی تحلیلی ادله همگرایانه و واگرایانه در تقریب بین ادیان با تأکید بر مبانی ارزش‌شناختی

amiriazim1356@gmail.com

Taheri-akerdi@iki.ac.ir

عظیم امیری / کارشناس ارشد دین‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدحسین طاهری آکردی / دانشیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸

### چکیده

شباهت‌ها و تفاوت‌های ادیان دو رویکرد «همگرایانه» و «واگرایانه» در گفت‌وگو و تقریب میان پیروان ادیان به‌وجود آورده است. هر دو رویکرد برای خود دلایلی دارند. این نوشتار بعد از مباحث مقدماتی، به معرفی دو رویکرد اصلی در تقریب ادیان پرداخته و دلایل رویکرد «واگرایانه»، از قبیل طبیعت انسان‌ها، تفاوت در مبانی ادیان، تفاوت در خاستگاه تقریب میان ادیان و دلایل نقلی را بررسی کرده است. در ادامه مبانی ارزش‌شناختی تقریب با مباحث ذاتی یا غیربی بودن ارزش تقریب، مطلوبیت عمل و انگیزه در رویکرد «همگرایانه» مطرح و این رویکرد تقویت می‌شود. این تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی، کوشیده تا کارکرد رویکرد همگرایانه را فراتر از رفع سوءتفاهم‌ها، به‌مثابه عامل مهم بسیج فرصت‌ها و توانایی‌ها ببیند و این ظرفیت در جهت کمال انسانی و جامعه دین‌داران، با سرمایه فطرت توحیدی ملاحظه شود.

کلیدواژه‌ها: ادیان، همگرایی، واگرایی، تقریب، گفت‌وگو، ارزش‌شناختی.

ادیان و مکاتب برای نحوه تعامل با ادیان و مکاتب دیگر، رویکردهای متفاوتی دارند. در یک تقسیم‌بندی می‌توان دو رویکرد کلی «همگرایی» (convergence) و «واگرایی» (divergence) را ذکر نمود (برای مطالعه بیشتر، رک: مظفری، ۱۳۸۲). هر رویکرد مبانی، اصول، روش‌ها و ساختارهایی دارد. برای نمونه رویکرد همگرایی مبانی جهان‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی دارد و اصول خود را از منابع درون‌دینی و برون‌دینی استخراج می‌کند و مطابق مبانی و اصول، با روش‌های گوناگون در ساختارها و نهادهایی نظیر شوراها و مجمع‌های تقریبی برای رسیدن به اهداف موردنظر می‌کوشد. در زمینه همگرایی ادیان و شیوه‌های آن، نظیر گفت‌وگوی ادیان، مقالات و کتاب‌های متعددی به رشته تحریر درآمده که در منابع این تحقیق به برخی اشاره شده است. اگرچه همه اینها درخور ارج و احترام است، اما چنین به نظر می‌رسد که ناگفته‌ها و نانوشته‌های بسیاری همچنان باقی است.

آنچه در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال آن هستیم حول دو محور اصلی است: محور اول بررسی برخی ادله واگرایان؛ محور دوم از میان مبانی گوناگون یک رویکرد، مبانی ارزش‌شناختی رویکرد همگرایی بررسی و تحلیل شده است.

در روزگاری که ارتباطات روزافزون تعامل و همزیستی ادیان، ملت‌ها و اقوام را بیش از هر زمان دیگری ضروری ساخته، هدف از بحث تقریب بین ادیان، افزایش روابط انسانی، رفع سوءظن‌ها، فهم بهتر حقیقت و تجمع نیروهای متدین برای استفاده بهینه از فرصت‌ها در مسیر کمال انسانی است. براساس مبانی ارزش‌شناختی، ارزش‌ها به واقعیت مستند شده و انسان مطلوب و پارسا در ادیان یکی از ارکان تقریب و همگرایی ادیان به‌شمار می‌رود که در سایه مطلوبیت عمل و انگیزه، جامعه انسانی را به سمت کمال و رشد به پیش می‌برد. همگرایی ادیان فراتر از زندگی مسالمت‌آمیز، در جهت تقریب نیروی متدین و شکوفایی فطرت دینداران برای استفاده بهتر از ظرفیت موحدان در مسیر کمال انسانی و قرب الهی قدم برمی‌دارد.

### واژه‌شناسی

«همگرایی»، «تقریب میان ادیان» و مفاهیمی از این دست، نشان از یک طرز تفکر و رویکرد دارد که با شیوه‌های گوناگونی، نظیر گفت‌وگو، محاوره، مجادله، مباحثه علمی و تعامل ظهور می‌یابد. فرایند رویکرد همگرایی همواره با فراز و فرودهایی در ادیان ظهور داشته و در برهه‌هایی از تاریخ، نظیر یک قرن گذشته با توسعه ارتباطات و ظهور عدم کارایی برخی رویکردهای واگرایی، به آن توجه بیشتری شده است. همگرایی فرایندی است که منجر به شرایطی خواهد شد که گروهی از مردم در قلمرو جغرافیایی معین، از روی میل و رغبت و نه زور و فشار، به احساس مشترکی در زمینه حقوق و رفتار متقابل دست یابند، که این امر به صورت تدریجی حاصل می‌گردد (افتخاریان، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۸۴۴؛ آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶، ص ۳۲۱). مراد از رویکرد «همگرایی» دستیابی به شناخت صحیح ادیان دیگر و درک درست از یکدیگر

با روش‌های گوناگون است. مهم‌ترین نکته در این زمینه درک و احترام متقابل است. به‌طور کلی، هدف دستیابی به فهم بیشتر حقیقت، افزایش روابط انسانی، رفع سوءظن‌ها از طریق شناخت نقاط اشتراک و اختلاف است (طاهری آکردی، ۱۳۸۷، ص ۳۱).

شیوه‌های رویکرد همگرایانه، هر کدام ظرافت‌های خاص خود را دارد. باید ظرفیت‌های هر روش را شناخت و از هر کدام در موقعیت خود استفاده کرد. برای مثال، لیمپن تفاوت محاوره و گفت‌وگو را این‌گونه بیان کرده است: هرچه در جمعی کفه افراد سنگین‌تر و کفه منطق سبک‌تر باشد، آنچه در آن جمع می‌گذرد بیشتر به «محاوره» (conversation) نزدیک خواهد بود. اما اگر وزن منطق بیشتر و وزن افراد کمتر باشد به «گفت‌وگو» (dialogue) نزدیک‌تر خواهیم بود (شیخ‌رضایی، ۱۳۹۴، ص ۳۶).

همچنین مدارا و تقریب با «مداهنه و سازشکاری» (accommodation) تفاوت دارد. «مداهنه» سازش با منحرفان و مخالفان حق است؛ یعنی انسان در بیان حقایق و تبلیغ و ترویج دین خداوند سستی کند و اگر انحرافی از دیگران مشاهده کرد، دم فرو بندد و اعتراض نکند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۷۹-۲۸۲).

### دین؛ واگرا یا همگرا؟

خلقت متفاوت انسان‌ها توسط خالق هستی‌بخش، در منابع با دو نگاه متفاوت یافت می‌شود: نگاه اول تفاوت را نعمت الهی و از اسباب جنبش فکری و دوری از جمود می‌داند. نگاه دیگر به تفاوت میان انسان‌ها و ادیان بسان یک نقشه الهی برای تنبیه و عقوبت انسان‌ها می‌نگرد؛ مانند آنچه در برخی منابع یهودی مشاهده می‌شود و قائلند که نوع بشر با خودپسندی با ساختن برجی به سوی آسمان (برج بابل) کوشید به خدا برسد. خدا با رواج زبان‌های مختلف در میان آنها به نحوی که نتوانند با هم صحبت و همکاری کنند، طرح آنها را بی‌ثمر ساخت (لاتون و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۳۱۶).

در خصوص کارکرد دین نیز دو دیدگاه متفاوت دیده می‌شود: جمعی ادیان را عامل تنگ‌نظری، تعصب، تخاصم و نزاع می‌شناسند، و شماری از اندیشمندان بر کارکرد انسجام‌بخشی و همبستگی‌آفرینی ادیان آسمانی پای می‌فشارند (سجادی، ۱۳۸۱) و دین را پدیده‌ای می‌دانند که با ظرفیت‌های والای خود، نظیر مبانی ارزشی، رهبران خدمتگزار، و نهادهای ایمان‌محور نقش مهمی در ایجاد صلح در جامعه و میان ملت‌ها ایفا می‌کند. در همین زمینه ادله واگرایان بررسی می‌شود:

### بررسی ادله واگرایان

سؤالی که در ابتدای بحث همگرایی بین ادیان مطرح می‌شود این است که اصل اولی در تعامل و برخورد با ادیان دیگر چیست: تعامل یا تقابل؟ کدام امر ذاتی و کدام امر مصلحتی است؟ گروهی با تمسک به طبیعت انسان‌ها، نظریه «قیاس‌ناپذیری» و انحصارگرایانه بودن ادیان، رویکرد «واگرایانه» را اصل اولی می‌دانند.

## اول. اصل اولی در طبیعت انسان‌ها: نفرت و جدایی

واگرایان به طبیعت انسان‌ها تمسک می‌جویند و قائلند که اصل در طبیعت انسان‌ها بر جدایی و نفرت است و همدلی از باب مصلحت‌ها و ضرورت‌هاست.

انسان به‌طور طبیعی با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم دیگران خو نمی‌گیرد و آشنا نمی‌شود؛ همان‌طور که ذائقه یک قوم با غذاهای اقوام دیگر آشنا نمی‌شود. اصل بر نفرت است و البته این نفرت در بعضی اقوام بیشتر و در بعضی اقوام کمتر است؛ همان‌طور که افراد نیز برخی زودتر و برخی دیرتر با دیگران آشنا می‌شوند. آری، بدگمانی و دوست نداشتن یکدیگر پیوسته در جوامع بشری حضور داشته و جنگ زاییده نفرت اقوام از یکدیگر و نتیجه بدگمانی و دوست نداشتن یکدیگر است. اکنون که عصر ارتباطات است، انسان‌هایی از سراسر جهان می‌گویند: جنگ و نفرت بس است! بیایید یکدیگر را دوست داشته باشیم! بیایید با یکدیگر گفت‌وگو کنیم! البته از آنجاکه نفرت ذاتی است و همدلی از باب مصلحت است، اقوام نمی‌دانند که این گفت‌وگو و تفاهم را چگونه و از کجا شروع کنند. چگونه یکدیگر را معرفی کنند؟ مشکلات فراوانی پیش روی همه قرار دارد و به اندازه‌ای که نفرت آسان است، همدلی دشوار است (توفیقی، ۱۳۸۵، ص ۵۶).

در پاسخ باید گفت: اگرچه جان ناس هم بدبینی نسبت به بیگانگان را از ویژگی اقوام صحرائشین (عبرانی‌ها) دانسته است (ناس، ۱۳۸۱، ص ۴۸۵)، اما فطرت و وجدان انسان با خشونت و جنگ‌افروزی منافات دارد و نسبت به مهر و محبت ملایمت نشان می‌دهد؛ زیرا انسان شبیه خدایی خلق شده که خودش محبت است و مقبول ادیان الهی است (لاتون و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۱۹۵).

در مقابل این اصل که نفرت را ذاتی انسان دانسته، گروهی معتقدند: حالت اولی و وضع طبیعی انسان نجابت، پاکدامنی، صلح‌طلبی و مدنیت است و فساد، تباهی، جرم و جنایت در زندگی بشر به مقتضای طبع اولی او نیست، بلکه این جامعه است که وی را به این سمت می‌کشاند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۷، ص ۴۱).

## دوم. نظریه «قیاس‌ناپذیری»

از دیگر دلایل واگرایان تمسک به نظریه «قیاس‌ناپذیری» (incommensurability) است. نظریه «قیاس‌ناپذیری» بودن سنت‌های دینی» یک بحث فلسفی علیه گفت‌وگوی بین ادیانی است. برخی از منتقدان گفت‌وگوی بین ادیان معتقدند: زندگی، باورها و آموزه‌های پیروان سنت‌های گوناگون مذهبی در جهان‌بینی‌های متفاوت شکل گرفته و بدین‌روی، بین آنها هیچ اساس محکم و نقطه مشترکی برای مشابهن و قیاس و در نتیجه گفت‌وگو و همگرایی وجود ندارد. به بیان دیگر، هویت‌های افراد دیندار در ادیان مختلف، متفاوت بوده و هویت متفاوت برای رویکرد همگراییانه یک چالش محسوب می‌شود (آبیار، ۱۳۹۶؛ روبرال، ۲۰۱۳، ص ۱۲۱).

در پاسخ، قائلان به همگرایی می‌گویند: در بین ادیان تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود، اما آنها مشترکات فراوانی در اعتقادات، اخلاق و مناسک دارند. اگرچه در منابع ادیان شواهدی بر رویکرد واگرایانه و مرزبندی‌های اعتقادی و اجتماعی یافت می‌شود، اما این‌گونه مرزبندی‌ها در مرحله نخست به معنای خصومت‌ورزی پیروان ادیان با یکدیگر

نیست، بلکه نوعی تدبیر برای حفظ هویت و موجودیت ادیان است، اگرچه در مراحل بعد، به دلایل گوناگون، قابلیت تبدیل به جدال‌های لفظی و فکری را دارد که خارج نشدن از چارچوب اعتدال، داشتن بهترین شیوه و جدال احسن (عنکبوت: ۴۶) راهکار مناسبی برای این مرحله به‌شمار می‌آید.

مرزبندی‌های اعتقادی و اجتماعی برای حفظ هویت دینی در همه ادیان وجود دارد. *اسپینوزا/ علت ماندگاری یهود و حفظ هویت آنان را کناره‌گیری یهودیان از سایر ملل و عدم اختلاط با آنها و انجام برخی مناسک می‌داند.* (اسپینوزا، ۱۹۵۱، ص ۴۴). در اسلام نیز به منظور حفظ هویت دینی، «تعرب بعد الهجرة» وارد شدن به سرزمین‌های غیراسلامی که در آن خطر سست شدن اعتقادات و دین انسان را به همراه دارد) در حد خروج از دین قلمداد شده است. در رویکرد همگرایانه، از پیروان ادیان خواسته شده که با حفظ هویت دینی، در کنار هم فراتر از همزیستی مسالمت‌آمیز، بر پایه کرامت انسانی در مسیر تکامل قدم بردارند.

برخی قائلند: در سیر تاریخی بنی اسرائیل و یهود، نگاه واگرایانه غلبه داشته و حتی در برخورد با اسلام در سرزمین حجاز، همین نگاه واگرایانه و خصومت‌آمیز را داشته‌اند (جدیدبناب، ۱۳۸۱، ص ۱۷۵). نیوزنر، نویسنده یهودی، فرهنگ زمانه و واقعیت اجتماعی خاص بعد از اسارت بابلی را از علل نگاه واگرایانه یهود می‌داند (نیوزنر، ۱۳۸۹، ص ۶۸). اوج واگرایی را در تفسیر قبالیایی می‌توان یافت که مدعی است: نفوس یهودیان در نهایت از خدا نشئت می‌گیرد، درحالی که نفوس غیریهود و بیگانگان مادی است یا مبنای مادی دارد (گندمی نصرآبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۹).

با اینکه نگاه واگرایانه به علل گوناگون در آیین یهود پررنگ است، اما در سیر تاریخی این دین، رویکرد همگرایانه به ادیان دیگر جایگاه خاص خود را دارد و در دوره‌های گوناگون نزد عالمان سوفریم، تنائیم، آموزائیم، ساوورائیم، گائونیم، ریشونیم و احرونیم قابل رصد بوده، در این رویکرد خداوند، خدای همه انسان‌ها، انسان‌تصویری از خداوند و آنچه در جهان دیده می‌شود کار و فعل خداوند است. به قوانین نوحیه (برای مطالعه بیشتر، رک: کهن، ۱۳۵۰، ص ۸۵) تمسک و از ابراهیم علیه السلام به‌عنوان پدر امت‌ها یاد می‌شود که خداوند وعده داده است از طریق او همه مردم برکت خواهند یافت: «و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت» (پیدایش، ۱۲: ۳).

از دیدگاه سعدیا گائون (۸۸۲-۹۴۲م) نمی‌توان طبیعت توحیدی اسلام و مسیحیت را انکار کرد (گائون، ۱۹۶۷، ص ۲۰۹-۲۱۳). بحیان باقودا (ابن باقودا، ۱۹۱۲، ص ۳۸-۴۰)، یهودا هلوی (لوی، ۲۰۰۶، ص ۳۵۵) و ابن‌میمون غیریهودیان را اهل توحید شمرده‌اند (ابن‌میمون، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۳). ربی یوسف آلبو (۱۳۸۰-۱۴۴۴م) هسته و گوهر تمام ادیان را یکی می‌داند و اختلاف آنها را معلول تنوع تجربه انسانی و فرهنگ دریافت‌کنندگان کلمه الهی ازلی می‌شمرد (بریل، ۲۰۱۰، ص ۲۱۹). موسی مندلسون وجود ادیان

مختلف را لازم و جزئی از طرح و نقشه الهی می‌داند و دیدگاه کسانی را که به دنبال تلفیق تمام ادیان جهان در یک دین هستند رد می‌کند (گندمی نصرآبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۳).

آنچه در مجموع به نظر می‌رسد این است که ادیان در مبانی و اصول اشتراکات زیادی در جهت رویکرد همگرایانه دارند. گفت‌وگو و تقریب صادقانه با حفظ هویت دینی، مشخص بودن اهداف گفت‌وگو و حرکت در جهت منافع و مصالح راستین جامعه بشری می‌تواند تقریب بین ادیان را به جایگاه واقعی خود نزدیک نماید.

### سوم. تفاوت خاستگاه تقریب در اسلام و ادیان دیگر

سومین دلیل مربوط به تفاوت خاستگاه تقریب در ادیان است. واگرایان معتقدند: رویکرد تقریبی در ادیان گوناگون، با زمینه‌ها و اهداف مختلف و گاه ابزاری اتخاذ شده است. برای نمونه، مسیحیت سه دوره انفعال، تهاجم و گفت‌وگو را در برابر ادیان دیگر طی کرده و با توجه به شرایط عصر قرن بیستم، با رویکردی جدید به نام «گفت‌وگو به‌مثابه ابزار راهبردی» به ارتباط با جهان، به‌ویژه جهان اسلام روی آورده است (طاهری آکردی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۷۸۹). به عبارت دیگر، رواداری غربی محصول خستگی از درگیری بر سر حقیقت، افول جایگاه کلیسا و عقل مبتنی بر دوران روشنگری، تجربه‌گرایی و کثرت‌گرایی (پلورالیسم) است؛ اما رواداری در اسلام بر مبانی عقل بر وحی استوار است (قنبری، ۱۳۸۲). بدین‌روی، به سبب خاستگاه متفاوت تقریب، تقریب در ادیان امکان‌پذیر نبوده یا حداقل ثمره را خواهد داشت.

در پاسخ به دلیل سوم، قائلان به رویکرد همگرایی با اذعان به تفاوت در خاستگاه تقریب میان ادیان، قائلند که باید خاستگاه تقریب را در بندگی خدا، تعالی‌جویی فطری انسان و ضرورت‌های زندگی اجتماعی جست‌وجو کرد (سجادی، ۱۳۸۱). همچنین باید توجه داشت آنچه در تاریخ مسیحیت رخ داده متفاوت از آن چیزی است که در کتاب مقدس و سیره حضرت مسیح بوده است.

تذکر این نکته نیز مهم است که در بستر تاریخی ادیان، در سایه سنگین و غالب رویکرد واگرایانه، جریان همگرایانه ادیان با حرکتی کند، احتیاط‌آمیز و مرحله‌ای به پیش می‌رود و به تدریج، به مراحل تثبیت خود نزدیک خواهد شد و ممکن است گروه‌های مختلف با انگیزه‌های گوناگون به این کاروان ملحق شوند. از این‌رو، باید خاستگاه‌های متفاوت تقریب و رویکرد همگرایانه ادیان را شناخت. عالمان ادیان باید با آگاهی و تبحر، گستره موارد اختلافی را شناخته، آن را مدیریت نمایند. شکی نیست که در طول تاریخ، از امور مقدس و ارزش‌ها در مسیر باطل استفاده شده، از تقریب نیز برای پیشبرد اهداف غیردینی و غیرانسانی، نظیر شناخت مستعمره‌ها و تبشیر و مشروعیت بخشیدن به رژیم صهیونیستی بهره گرفته‌اند. اما این دلیلی موجه برای دست کشیدن از تقریب بین ادیان نیست. به همین دلیل، یکی از اصول تقریب در منابع دینی، هوشیاری مؤمنان در برابر جوامع و مکاتب دیگر است.

#### چهارم. استناد به منابع نقلی

یکی از دلایل رویکرد واگرایانه استناد به آیات و روایات است. از ظاهر آیات و فقرات کتاب‌های مقدس چنین برداشت کرده‌اند که منابع دینی به ما رویکرد واگرایانه را توصیه می‌کنند. به سه دسته از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) استناد به آیاتی که مسلمان را به دوری از کافران دستور داده است:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَ يَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران: ۲۸)؛ افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد، مگر اینکه از آنها بپرهیزد (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تنبیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود برحذر می‌دارد و بازگشت (شما) به سوی خداست.

انتساب کفر و بدعت به پیروان ادیان دیگر از مناقشه‌های کلامی است که در تاریخ روابط ادیان ابراهیمی به چشم می‌خورد. دفاعیه‌نامه‌ها، اعتقادنامه‌ها و ردیه‌نویسی در ادیان در جهت دفاع از دین و راست‌کیشی بوده که در کتاب‌های تاریخی آمده است (موسوی‌مقدم، ۱۳۹۲، ص ۲۷-۳۱؛ صمیمی، ۱۳۸۲، ص ۴۲-۴۶). اما در پاسخ به این دسته از ادله نقلی، همگرایان به تفاوت میان کفر بالله و کفر به آیات الله و همچنین فرق نهادن میان اهل کتاب و کفار ارجاع داده‌اند؛ یعنی مراد از «کفر» به کار رفته درباره اهل کتاب، کفر به آیات الله است و نه کفر بالله، که آثار فقهی کفر را بتوان از آن استنتاج نمود.

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ» (آل عمران: ۷۰)؛ بگو: ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کافر می‌شوید، و حال آنکه خدا گواه اعمال شماست؟

علامه طباطبائی در توضیح این تفاوت بیان می‌دارد: کفر به خدا عبارت است از: التزام به اینکه خدای یگانه‌ای وجود ندارد؛ همچنان که وثنی‌ها و دهری‌ها چنین التزامی دارند؛ ولی کفر به آیات خدا عبارت است از: انکار یکی از معارف الهی، بعد از ورود بیان و روشن شدن حق، که اهل کتاب این گونه‌اند؛ یعنی اهل کتاب منکر این معنا نیستند که عالم هستی معبودی واحد دارد، منکر حقایقی از معارف‌اند که کتب آسمانی نازل شده بر آنان و بر غیر ایشان بیان نموده است؛ مانند نبوت پیامبر اکرم ﷺ بنده و رسول خدا بودن حضرت عیسی ﷺ، یهودی و نصرانی نبودن حضرت ابراهیم ﷺ. این قبیل معارف را که آیات الهی هستند، منکرند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۰۳).

ب) استناد به آیاتی که از مسلمانان خواسته است اهل کتاب را ولی و دوست خود نگیرند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (مائده: ۵۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهودیان و مسیحیان را دوست خود مگیرید؛ زیرا آنان با وجود اینکه با هم اختلاف دارند، در برابر شما با یکدیگر همدل‌اند، و هر کس از شما آنان را به دوستی بگیرد، قطعاً در زمره آنان به‌شمار می‌آید و از ستمکاران است، و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند.

واگرایان عقیده دارند: در منابع دینی از مسلمانان خواسته شده که از بیگانگان و مشرکان و دشمنان دوری گزیده، آنها را دوست و همراز خود نگیرند و فریب سخنان جذاب و اظهار محبت‌های ظاهراً صمیمانه آنان را نخورند؛ زیرا آنان چهره واقعی خود را پشت این نقاب‌های فریبنده پنهان می‌کنند و هرگاه بتوانند از وارد آوردن هرگونه شر و فساد نسبت به مسلمانان دریغ نمی‌ورزند.

در پاسخ به این دسته از آیات، ما باید مجموع آیات و روایات را با هم ببینیم، از خود قرآن کمک بگیریم و به عبارت دیگر، از خانواده آیات و روایات به یک حکم برسیم. با اینکه علامه طباطبائی قائل است که ولایت نهی شده در این آیه ولایت مودت، اتحاد و محبت است، نه ولایت حلف (هم‌پیمانی)، اما باید توجه داشت که محبت به دو معناست:

اول. معنایی که غالب لغویان دارند و در مقابل بغض و مرکز آن قلب است. اگر علاقه به چیزی در قلب کسی جای بگیرد، گفته می‌شود: فلان چیز محبوب اوست.

دوم. مقصود از محبت، رحمت، احسان و برّ و نیکی است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۱۴؛ ابن‌منظور، ج ۱، ص ۲۹۳). به تعبیر دیگر، رفتار محبت‌آمیز در مقابل رفتار خشونت‌آمیز است. محبتی که از دشمنان نهی شده معنای اول است که با آیات و روایات تعارض دارد.

توجه به این نکته مهم است که اهل کتاب با دشمنان اسلام فرق دارند. اهل کتاب چون دیشان ریشه‌ای راستین دارد، بجاست با آنان تعامل شایسته داشته باشیم تا وجهت دینی و اهداف پیامبران آنان لحاظ شود.

برای ساختن جامعه کامل و آرمانی که یکی از اهداف مهم ادیان الهی و پیامبران است، «نوع دوستی» برآمده از نظام اخلاقی ادیان آسمانی جایگاه مهمی دارد. نوع دوستی نتیجه محبت است و سرمنشأ محبت حقیقی خداوند است که ریشه در رحمانیت و مهربانی او دارد، اگرچه در گستره محبت در اسلام و ادیان دیگر تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود (علمی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۹۵۸). در این رابطه وقتی به قرآن کریم، روایات و سیره پیشوایان مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم دستور به همگرایی داده شده و گاهی شیوه‌های آن نیز بیان گردیده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۶۴)؛ بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی کلمه‌ای که تمسک به آن بر ما و شما لازم است و آن این است که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگیریم و یکدیگر را به جای خدای خود به ربوبیت نگیریم. اگر نپذیرفتند بگوئید: شاهد باشید که ما مسلمانییم.

آیه ۹ سورة «ممتحنه» فقط از دوستی با کسانی که قتال کرده‌اند، نهی می‌کند. همچنین آیه ۸۲ سورة «مائده» مسیحیان را به علت وجود عالمان، پارسایان و تکبر نداشتن، نزدیک‌ترین دوستان به مسلمانان معرفی می‌کند.

(ج) استناد به آیاتی که فقط اسلام را دین نهایی و مقبول معرفی کرده است:

«إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ فِي الْإِسْلَامِ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا يَبِغْتَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران: ۱۹)؛ دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ستم در میان خود. و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می‌رسد؛ زیرا) خداوند سریع‌الحساب است. واگرایان در دین اسلام بر این نظریه‌اند که دین مقبول و دین نهایی پذیرفته‌شده دین اسلام است و نزدیکی شدن به ادیان دیگر به خاطر انحرافات و تحریفات مذموم شمرده شده است. همگرایان برای روشن شدن این دسته از آیات و روایات، به معنای لغوی و اصطلاحی ارجاع داده‌اند. «اسلام» در لغت، به معنای تسلیم و گردن نهادن است و با توجه به آن، اسلام آیینی است که برنامه کلی آن تسلیم شدن انسان به خدای متعال است. با این تعریف، همه پیامبران به دین اسلام دعوت می‌نموده‌اند. این مطلب در آیات گوناگون (نساء: ۱۲۵؛ آل عمران: ۱۹ و ۶۴؛ بقره: ۱۲۸) تصدیق شده است. اما در اصطلاح، نامی برای آخرین شریعت توحیدی با پیامبری حضرت محمد ﷺ است. در این آیات، «اسلام» به معنای عام و تسلیم بودن است و قرآن به پیروان ادیان قبلی به علت غفلت از این نکته و انتساب انبیای به دین خاص تذکر می‌دهد (بقره: ۱۴۰؛ آل عمران: ۶۷).

همچنین نگاه انحصارگرایانه و قوم برگزیده داشتن به مسئله نجات، موجب شده شماری از پیروان ادیان به سمت رویکرد واگرایانه سوق داده شوند. برای مثال، مسیحیان تنها راه نجات را مسیح می‌دانند (یوحنا، ۱۴: ۶؛ اعمال: ۱۲: ۴) و عیسی معیار نهایی حقیقت قلمداد می‌شود. اساس و بنیان مسیحیت انکشاف خدا در مسیح است و تحمل و مدارا و احترام متقابل با ادیان دیگر را موجب تحریف شدن ماهیت واقعی حقیقت می‌دانند (کرامر، ۱۹۳۸، ص ۱۲۵).

گروهی نیز با نگاه واگرایانه به منابع نقلی، به سیره مستمر در میان پیروان ادیان استناد می‌کنند که قرن‌ها میان پیروان ادیان رویکرد واگرایانه غلبه داشته است، تا جایی که برنارد لوتیس در کتاب خود به دورانی اشاره می‌کند که آموختن خط و زبان ادیان دیگر سبب بدنامی و تحقیر اجتماعی بود (لوئیس، ۱۳۸۹، ص ۹۵ و ۱۰۵). برای روشن شدن این مطلب باید گفت: همان‌گونه که اشاره شد، تفکر همگرایانه ادیان در بستر تاریخی به صورت جریانی کند، احتیاط‌آمیز و مرحله‌ای وجود داشته (رک: گدار، ۱۳۹۵) و فراز و فرودهای زیادی به خود دیده است، تا آنجا که مفسرانی تغییر قبله را هم به رویکرد همگرایانه پیوند می‌دهند. زمخشری و طبرسی آورده‌اند که پیامبر در مکه به سوی کعبه نماز می‌گزارد. با هجرت به مدینه، خدا دستور داد برای دوستی و الفت با یهود به سوی بیت‌المقدس نماز بگزارد، تا اینکه پس از هفده ماه، آیه ۱۴۴ سوره «بقره» نازل شد و قبله تغییر کرد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۰۰؛ طبرسی، بی تا، ج ۱ ص ۸۶).

در مجموع، آیات قرآن (آل عمران: ۶۴؛ بقره: ۶۲؛ نساء: ۱۵۹؛ مائده: ۶۹؛ مائده: ۸۲؛ عنکبوت: ۴۶؛ ممتحنه: ۸)، نشانگر آن است که اصل کلی در ارتباط با غیرمسلمان بر پایه محبت، جدال نیکو، احترام و عدالت و قسط بوده و این اصول نقشه راه و مبنای برخورد مسلمانان با ادیان دیگر را مشخص می‌کند.

در پایان این مبحث، توجه به یک نکته مهم در تقریب، پیروان ادیان را در فهم همدلانه تقریب کمک خواهد کرد و آن نکته این است که باید تقریب را در نظام تقریب ملاحظه کرد؛ یعنی بدانیم تقریب در هر دینی لایه‌های متفاوتی دارد؛ از تقریب درون‌دینی تا برون‌دینی و تقریب میان انسان‌ها که همه اینها باید حول یک نقطه و به سوی هدفی واحد که قرب الی‌الله و سعادت‌مندی انسان است، حرکت نماید. در منابع اسلامی به این نکته توجه شده است. همچنین در مسیحیت، شورای واتیکانی دوم درباره انواع گفت‌وگو، درباره سه نوع گفت‌وگو (انسانی، ادیانی، مذهبی) بر موضوع سه گروه در چارچوب سه حلقه هم‌مرکز، سخن می‌گوید (فالانری، ۱۹۹۲، ص ۱۰۰۴). شورای جهانی کلیساها نیز گفت‌وگوها را سه نوع می‌داند: (Guidelines on Dialogue with People of Living Faiths and Ideologies, 1993, p. VII).

### مبانی ارزش‌شناختی رویکرد همگرایانه

آیا در تقریب و رویکرد همگرایانه، ما به دنبال دستیابی به مشترکات هستیم؟ آیا با تأکید بر مشترکات، در تلاش برای ارائه یک دین حداقلی هستیم؟ آیا هدف<sup>۵</sup> دیدن ظرفیت بالای دین، برای شکوفا کردن کرامت‌های انسانی است تا براساس معارف والای ادیان، پیروان ادیان از حد تحمل یکدیگر فراتر روند و به احترام به همدیگر از طریق مفاهمه دست یابند؟ سوئال اولین هدف از گفت‌وگو و رویکرد همگرایانه را رشد و تغییر می‌داند، نه اینکه جبراً مطابق یکدیگر زندگی کنیم (سوئدلر، ۲۰۱۳، ص ۱۰). در ادامه مبانی ارزش‌شناختی رویکرد همگرایانه را پی می‌گیریم:

### الف) ارزش‌ها و واقعیت‌ها

اصطلاح «ارزش» در متون متأخر کاربرد فراوانی دارد و نزد قدما نیز با عنوان «فضیلت» مطرح بوده است. ارزش‌ها یا نظام ارزشی به لحاظ جایگاه و موقعیت، بعد از جهان‌بینی و نظام باورهای کلان قرار می‌گیرند. تتبع در موارد استعمال واژه «ارزش» نشان می‌دهد که این واژه در شاخه‌ها و قلمروهای گوناگون، کاربردهای متعددی دارد و وجه جامع یا عنصر مشترک در همه موارد، کاربرد آن به‌مثابه «مطلوبیت» (Desirable) است.

از مباحث مهم در بحث ارزش‌ها، بررسی رابطه «هست‌ها» و «بایدها» است. اندیشمندان مسلمان قائلند که بایدها و نبایدهای اخلاقی ریشه در واقعیت و هست‌ها دارند و ارتباطی وثیق بین آنها برقرار است (حائری یزدی، ۱۳۶۱، ص ۱۸۵-۱۸۷). درباره منشأ اعتبار ارزش‌ها، دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده که مهم‌ترین آنها «ذهنیت انسان؛ محل اعتبار» (دیدگاه افراطی)، «ارزش‌ها؛ سیمای واقعیت‌ها» (دیدگاه تفریطی) و «استاد ارزش‌ها به واقعیت‌ها» (دیدگاه معتدل) است. دیدگاه معتدل بر این باور است که گزاره‌های ارزشی، چه به صورت انشایی یا خبری، مبین رابطه ضروری و واقعی بین فعل و نتیجه فعل و امور حقیقی و واقعی هستند. رابطه ضروری بین اعمال اختیاری و نتایج آن و به تعبیری رابطه علیت و معلولیت از طریق وحی و نبوت یا از طریق عقل و فطرت ناب انسانی بر ما آشکار می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۵۳-۱۰۷؛ رهنمایی، ۱۳۸۵، ص ۵۶-۶۷). ما در رویکرد همگرایانه، پایه ارزش‌ها را استاد به واقعیت‌ها می‌دانیم.

### (ب) انسان و مبانی ارزش‌شناختی

برترین شاخص تمایز مکاتب از یکدیگر، ارزش‌های نشئت گرفته از آن مکتب است. در واقع تشخیص ماهوی هر نظام فکری و عقیدتی ظهور ارزش‌هایی است که از درون آن نظام جوشیده و براساس اصول بنیادین آن نظام شکل گرفته است (رونزو، ۱۳۹۵، ص ۲۴۸). مبانی ارزش‌شناختی، مشخص‌کننده جایگاه باورها و مفاهیم در یک مکتب است. انسان‌شناسی اگر مقدمه امر بزرگ‌تر، یعنی خداشناسی باشد ارزشمند است؛ زیرا انسان‌شناسی محدود به شناخت انگیزه‌ها و منافع و روحیه شخصی افراد، فاقد ارزش است و اگر مقدمه امر والاتر باشد و از معبر تهذیب نفس بگذرد، ارزشمند بوده و در علوم دیگر تأثیرگذار است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۶۴-۶۲).

هر موجودی از استعدادها و نیروهای بالقوه‌ای برخوردار است و کمال، سعادت و غایت هر وجودی به فعلیت رساندن قوای درونی و استعدادهای بالقوه خویش است. انسان نیز که از دو موهبت «عقل» و «اختیار» برخوردار است، ارزش و قیمت وجودی‌اش به این است که استعدادهای بالقوه خود را به فعلیت درآورد. در این مسیر افعال انسان (حرکات عرضی) وابسته به تغییرات در نفس (حرکات و افعال جوهری) است که بتواند آن را به مرحله اعلا و برین ارتقا دهد (صدرالمطلبین، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۴۸؛ ج ۴، ص ۱۴۱). از زیرساخت‌های اساسی در بحث تقریب بین ادیان، انسان اخلاقی مطلوب است. انسان مطلوب و پارساست که باید در جامعه تفکر همگرایانه و تقریب بین ادیان را در سطح بینش، گرایش و کنش به نقطه مطلوب برساند و با تکیه بر ظرفیت معارف ادیان، نظیر ورع، رضا، تفکر، انس با طبیعت، سکوت، بخشش، خدمت به خلق و پرهیز از خشونت، گفتمان ادیان را مستحکم ساخته، تنش‌ها را به حداقل برساند.

منابع دینی ادیان که جهان هستی را تحت تدبیر وجودی یگانه می‌دانند، از پیروان خود می‌خواهند با تواضع با هموعان خود برخورد کنند و بر نقش محوری مهرورزی و کمک به دیگران، به‌مثابه عامل مهم رشد و تعالی انسان تأکید کرده‌اند. برای مثال، «تلمود» یهودیان در بخش اخلاقی خود، شیوه اخلاقی زیستن انسان را که شامل محبت به هموع، تواضع و فروتنی، عفو و گذشت، اعتدال و میانه‌روی است، بیان نموده است (گیلات، ۱۹۹۶، ص ۷۵۰؛ رایینوویتز، ۱۹۹۶، ص ۷۶۰).

هرقدر انسان‌های مطلوب دو مکتب از شباهت بیشتری برخوردار باشند احتمال همسانی مبانی انسان‌شناسی دو مکتب بیشتر خواهد بود و بالطبع، گفت‌وگو و تقریب بین مکاتب تقویت خواهد شد.

### (ج) ارزش رویکرد همگرایانه، ذاتی یا غیری؟

ارزش ذاتی یک موضوع به آن است که آن موضوع در ارزشمند بودن به چیزی وابسته نباشد و از این بابت، ارزش درونی دارد. در مقابل، ارزش غیری یک موضوع از آن نظر است که آن موضوع در ارزشمند بودن، تابع چیزهای دیگری است و از این منظر، ارزش آن، بیرونی یا تبعی است. برای مثال، کمال اختیاری، ارزش ذاتی اخلاقی دارد و رفتارهای اختیاری نسبت به تأثیرشان در دستیابی به کمال اختیاری، ارزش غیراخلاقی دارند (مصباح، ۱۳۸۵،

ص ۵۸). رویکرد همگرایانه نیز در سایه قرب الی‌الله معنا می‌یابد. از این منظر قرب الی‌الله ارزش ذاتی دارد و تقریب بین ادیان ارزش‌گیری پیدا می‌کند، تا زمانی که در این مسیر بوده و مطلوبیت عمل و انگیزه را دارا باشد.

#### د) مطلوبیت عمل و انگیزه

عقل و وحی به‌مثابه منشأ اعتبار ارزش‌ها، نقش خود را در تبیین و تشریح ارزش‌های اخلاقی بر دو محور مهم «مطلوبیت عمل» و «مطلوبیت انگیزه» ایفا می‌کنند. محور ارزش‌گذاری هر دو این است که هم خود عمل باید نیکو و شایسته باشد و هم نیت انجام عمل خوب و شایسته باشد (رهنمایی، ۱۳۸۵، ص ۷۶). در تقریب باید هر دو وجه حسن فعلی و حسن فاعلی لحاظ شود. نزدیک شدن ادیان به یکدیگر باید در راستای ارزش ذاتی (قرب الی‌الله) باشد. گاه فعل تقریب مطلوبیت عمل دارد، اما مطلوبیت انگیزه ندارد؛ مانند ماجرای ایمان آوردن جمعی از اهل کتاب (یهودیان) که گفتند: بروید در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز کافر شوید! (آل عمران: ۶۲). این عمل اگرچه شکل ظاهری فعل ارزشی را داشت، اما چون مطلوبیت انگیزه نداشت، یک عمل ضد ارزشی و فتنه محسوب شد.

#### هـ) رویکرد همگرایانه: تکامل جامعه و انسان

همه نظام‌های اخلاقی در تاریخ بشریت در پی اصلاح انسان و زندگی فردی و اجتماعی او بوده‌اند. میزان شباهت نظام‌های اخلاقی مکاتب به یکدیگر، در تقریب و مدارای پیروان آن مکاتب تأثیرگذار است. در نظام‌های اخلاقی ادیان الهی، انسان‌های دیندار، رکن و سرمایه تقریب و کرامت انسانی، یعنی «فطرت توحیدی» را برای ساختن خود و جامعه دارا هستند.

از مهم‌ترین گام‌ها در راه تربیت و ارتقای انسان در همه ابعاد، قرار دادن انسان در مسیر شناخت و کرامت خویش است و آنچه کرامت انسان، به‌ویژه انسان دیندار را خدشه‌دار کند پایگاه همگرایی را تضعیف می‌نماید. جوامع بشری همانند انسان‌ها، با ملاک‌ها و معیارهای ارزشی طبقه‌بندی می‌شوند. طرح «مدینه فاضله» در برابر مدینه‌های جاهله، ضاله و نظایر آن نشان از نگاه ارزشی به اجتماعات بشری دارد.

اندیشمندان ارزش یک جامعه یا حکومت را براساس میزان اجرا و عینیت بخشیدن به مقولاتی مانند عدالت سنجیده‌اند؛ مهم‌ترین آموزه‌ای که فلسفه انتظار ظهور منجی در ادیان نیز به‌دنبال آن است. به‌عبارت دیگر، آرمان موعود منجی هم بالاترین ارزشی را که برای اجتماع بشری دنبال می‌کند، «عدالت» است. بیشتر ادیان بزرگ و به‌ویژه ادیان ابراهیمی یکی از آموزه‌های مهمشان بحث منجی و حکومت صالحان و برپایی عدل بوده است (نور: ۵۵).

رویکرد همگرایانه از این نقطه اشتراک می‌تواند با تربیت انسان‌های پارسا در این مسیر نقش مهمی ایفا کند. قرآن تشکیل امت واحد را یک برنامه جهانی برای تشکیل حکومت جهانی می‌داند. بهترین دوران خلقت زمانی است که صالحان و مستضعفان وارث زمین خواهند شد (انبیاء: ۱۰۵؛ مزامیر، ۳۷؛ ۲۹) و زمینه آن را باید بندگان صالح فراهم سازند و بهترین راهکار برای فراهم نمودن این زمینه، تقریب ادیان و متدینان عالم است.

همه ادیان الهی به سوی موعود و منجی و یک برنامه جهانی در حرکتند. مصلح آخرالزمان آرمان همه ادیان است. گسترش رویکرد همگرایانه جهت گیری ادیان به سمت یک امت واحد و بسیج توانایی‌ها در راستای کمال انسانی است. در فضای همدلی، علاوه بر اینکه از هدر رفتن استعدادها و فرصت‌ها جلوگیری می‌شود، همچنین می‌توان به پیشرفت‌های معنوی و مادی نائل آمد.

اسلام روابط انسانی را فراتر از عدالت تعریف می‌کند؛ به این معنا که عدالت در حوزه روابط انسانی، رابطه حداقلی را می‌سازد؛ زیرا سطح عالی روابط در قالب «احسان» تعریف می‌شود که شامل نیکوکاری در ابعاد و اشکال گوناگونی همچون گذشت، بخشش، مهر، عطوفت، نیکی، انفاق و ایثار می‌شود (علمی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۹۶۱). شناخت اشکال گوناگون روابط از سطح تا کف در تعامل میان مؤمنان، مسلمانان، متدینان و انسان‌ها، نیازمند طراحی نظام جامع تقریب خواهد بود.

اسلام (تسلیم بودن در برابر حق) دین فطری (دین مطابق خلقت و آفرینش) و اجتماعی است. کلام «مدنی بالطبع بودن انسان» به شکل‌های گوناگون به «خاصیت فیزیکی» و «خصلت غریزی» تفسیر شده است. تفسیر سوم این است که انسان به حسب خلقت، با یک سلسله استعدادها و امکانات آفریده شده است که به فعلیت رسیدن و به کمال رسیدن این استعدادها، جز در پرتو تعاون اجتماعی امکان ندارد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۵۳۹-۵۴۲).

اصل کلام این است که امروز کارکرد تقریب و همگرایی ادیان فراتر از مباحث اضطرار و حل مشکلات موجود، این است که افراد متدین استعدادهایی در مسیر سعادت دارند که با کنار هم بودن، امکان بروز دارد و در مسیر اسلام (تسلیم بودن) و تلاش برای حاکمیت دین‌داران و مستضعفان شکوفا خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

اصل اولی در میان ادیان تعامل است یا تقابل؟ آیا تعامل ممکن است یا ناممکن؟ در وادی تعامل میان ادیان دیدگاه‌های ناممکن، ممکن و ضروری و در یک تقسیم‌بندی کلی، دو رویکرد کلی «واگرایانه» و «همگرایانه» دیده می‌شود. هر رویکرد دارای مبانی، روش و ساختارهایی است. رویکرد «واگرایانه» اصل را تقابل میان ادیان شمرده و همدلی میان آنها را از باب مصلحت و ضرورت دانسته است. طبیعت انسان‌ها تفاوت در مبانی ادیان بوده، و تفاوت در خاستگاه تعامل میان ادیان، از دلایل آنهاست. از منابع دینی برای این رویکرد شواهدی ارائه می‌نمایند. رویکرد «همگرایانه» فرایندی است که پیروان ادیان، از روی میل و رغبت به احساس مشترکی در زمینه رفتار و درک و احترام متقابل دست یابند. هدف<sup>۵</sup> افزایش روابط انسانی، رفع سوءظن‌ها، فهم بیشتر حقیقت و تجمیع نیروهای متدین برای استفاده بهتر از فرصت‌ها در مسیر کمال انسانی است.

شاید بتوان گفت: دوران معاصر به سبب پیشرفت‌های ارتباطی، نزدیکی ادیان رقم خورده است و تأمل در اشتراکات ادیان این جریان را هموارتر خواهد کرد. هر مکتب و آیینی که بر پایه تفکر خردمندانه و مبانی

جهان شمول استوار باشد، در این مسیر نقش آفرینی بیشتری خواهد داشت. دین اسلام و به‌ویژه مذهب امامیه با ظرفیت‌های فراوانی، نظیر نظام ارزش‌ها، عقاید، پیشوایان ایمانی و نهادهای دینی از پرظرفیت‌ترین جریان‌ها در پرچمدارای تعامل و تقریب بین ادیان و هدایت بشریت به سمت کمال و تعالی است و با تمسک به استعدادها و ظرفیت‌ها، قابلیت ارائه الگویی نوین در زمینه تقریب بین ادیان را داراست. این تحقیق نیز دیدگاه «همگرایانه» را با عنایت به ظرفیت‌های والای مکتب امامیه تأیید می‌کند.

براساس منابع اسلامی، شیوه برخورد مسلمانان با ادیان دیگر بر پایه محبت، جدال نیکو، احترام، قسط و عدل و آگاهی ترسیم شده است. براساس مبانی ارزش‌شناختی، ارزش‌ها به واقعیت مستند شده و انسان مطلوب و پارسا در ادیان یکی از ارکان تقریب و همگرایی ادیان به‌شمار می‌رود که در سایه مطلوبیت عمل و انگیزه جامعه انسانی را به سمت کمال و تکامل به پیش می‌برد. همگرایی ادیان فراتر از زندگی مسالمت‌آمیز، تجمیع نیروهای متدین و شکوفایی فطرت دینداران برای استفاده بهتر از فرصت‌ها در مسیر کمال انسانی و قرب الهی خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- کتاب مقدس، (ترجمه قدیم)، شامل کتب عهد عتیق و جدید، ۱۹۹۶م، انگلستان، انتشارات ایلام.
- ابن باقودا اندلسی، یحیی بن یوسف، ۱۹۱۲م، *الهدایة الی فرائض القلوب*، ترجمه ابراهیم سالم بن بنیامین یهودا، لیدن.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، بی تا، *لسان العرب*، ج سوم، بیروت، دار صادر.
- ابن میمون، موسی، بی تا، *دلالة الحائرین*، تحقیق حسین آتای، آنکارا، مکتبه الثقافة الدینیّه.
- افتخاریان، محمدحسین، ۱۳۸۰، *دانشنامه جنگ و صلح*، همدان، مسلم.
- آیار، زهرا، ۱۳۹۶، «الهیات شکاف: روشی مبتنی بر کنش در گفت‌وگوی ادیان»، *معرفت/ادیان*، ش ۳۰، ص ۱۷۴-۱۵۷.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد، ۱۳۸۶، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، چاپار.
- توفیقی، حسین، ۱۳۸۵، *وحی زبان مقدس هزاره‌ها*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جدیدبناب، علی، ۱۳۸۱، *تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *تفسیر انسان به انسان*، قم، اسراء.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، *تفسیر موضوعی* (جامعه در قرآن)، قم، اسراء.
- حائری یزدی، مهدی، ۱۳۶۱، *کاوش‌های عقل عملی - فلسفه اخلاق*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، *مفردات الفاظ القرآن الکریم*، بیروت، دارالقلم.
- روزنو، جوزف، ۱۳۹۵، *اخلاق دین و جامعه خوب*، ترجمه سودابه کریمی، تهران، نگاه معاصر.
- رهنمایی، سیداحمد، ۱۳۸۵، *درآمدی بر مبانی ارزش‌ها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *تفسیر کنشاف*، بیروت، دارالکتب العربی.
- سجادی، سیدابراهیم، ۱۳۸۱، «اصول و خاستگاه مشترک ادیان»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۳۳، ص ۴۲-۷۳.
- شیخ‌رضایی، حسین، ۱۳۹۴، *علم‌ورزی در حلقه کنبوکاو*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صدرالمآلهین، ۱۳۷۹، *اسفار*، ترجمه محمد خواجوی، تهران، مولی.
- صمیمی، مینو، ۱۳۸۲، *محمد در اروپا*، ترجمه عباس مهرپویا، تهران، اطلاعات.
- طاهری آکردی، محمدحسین، ۱۳۸۷، *پیشینه تاریخی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت (با تأکید بر دیدگاه نسبیّه و کاتولیک)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۷، «گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت: اصلی استراتژیک یا ابزاری راهبردی»، در: *مجموعه مقالات اسلام و مسیحیت با موضوع اخلاق و معنویت*، قم، بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- علمی، قربان، ۱۳۹۷، «نوع‌دوستی در اسلام و مسیحیت»، در: *اسلام و مسیحیت با موضوع اخلاق و معنویت*، قم، بوستان کتاب.
- قنبری، حسن، ۱۳۸۲، «مسیحیت و مدرنیته به روایت هانس کونگ»، *هفت آسمان*، دوره پنجم، ش ۲۰، ص ۸۷-۱۱۲.
- کهن، آ، ۱۳۵۰، *گنجینه‌ای از تلمود*، تهران، زیبا.
- گنارد، هیو، ۱۳۹۵، *تاریخ روابط اسلام و مسیحیت*، ترجمه منصور معتمدی و زهرا مودب، قم، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- گندمی نصرآبادی، رضا، ۱۳۹۴، *رویکرد یهودیت به ادیان دیگر*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- لاتون و همکاران، کالایو، ۱۳۷۸، *اخلاق در نشئ دین جهان*، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، اطلاعات.
- لویس، برنارد، ۱۳۸۹، *نخستین مسلمانان در اروپا*، ترجمه محمد قائد، تهران، کارنامه.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۳، *فلسفه اخلاق*، تهران، اطلاعات.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲، *ره توفسه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح، مجتبی، ۱۳۸۵، *بنیاد اخلاق؛ روشی نو در آموزش فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.  
مظفری، محمدحسین، ۱۳۸۲، «جهان اسلام و گفت‌وگوی ادیان»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش ۱۹۷ و ۱۹۸، ص ۹۶-۱۰۹.  
موسوی‌مقدم، محمد، ۱۳۹۲، *جریان سیردین‌پژوهی در غرب با تأکید بر دیدگاه مونتگمری وات*، تهران، دانشکده علوم و قرآن.  
ناس، جان بایر، ۱۳۸۱، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، علمی و فرهنگی.  
نیوزنر، جیکوب، ۱۳۸۹، *یهودیت*، ترجمه مسعود ادیب، قم، ادیان.

- Brill, Alan, 2010, *Judaism and other Religion: Moddels of Understanding*, NewYork, Macmllan.
- Flannery, Austin (ed.), 1992, *Vatican Council II. the Councilor and Post Councilor Documents*, Northport, New York, Costello Publishing Company.
- Gaon, Saadia, 1967, *The Book of Belifes and Opininos*, trans. by Samuel Rosenblatt, New Haven and London, Yale University Press.
- Gilat, Yitzhak Dav, 1996, "Talmud", in *Encyclopedia Judaica*, V. 15.
- Guidelines on Dialogue with People of Living Faiths and Ideologies*, 1993, Geneva, World Council of Churches.
- Kraemer, Hendric, 1938, *The Christian Message in a Non-Christian World*, London, Edinburgh House Press.
- Lewy, Hans, Altmann, Alexander, and Heinmann, Isaak, 2006, *3 Jewish Philosophers*, Toby Press.
- Robinowitz, Abraham Hirsch, 1996, "Commandments, the 613", in *Encyclopedia Judaica*, V. 5.
- Ruparell, Tine, 2013, *Inter-Religious Dialogue and Interstitial Theology*, The wileyBlackwell companion to Inter-Rligious Dialogue Edited by Cath erine Cornille.
- Spinoza, Benedictus, 1951, *The Chief Works of Spinoza*, NewYork, Dover Publications, INC.
- Swidler, Leonar, 2013, *The History of inter-Religious Dialogue*, (The wily-Blackwell company on to Inter-Religious Dialogue Edited by Catherine ornille).